



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	امر به معروف و نهی از منکر
۲.....	مبحث پانزدهم: معلومیت منکر و معروف
۲.....	ارتباط این بحث با تأثیر
۲.....	لزوم تعیین معروف و منکر
۳.....	شرط تعیین معروف و منکر در احتمال تأثیر
۳.....	مبحث شانزدهم: معین بودن مخاطب
۳.....	مبحث هفدهم: تعیین در شخص آمر و ناهی



امربه معروف و نهی از منکر

مبحث پانزدهم: معلومیت منکر و معروف

جهت پانزدهم این است که گاهی مأمور به و منهی عنه امر معینی است. مشخص است که شخص مرتکب خلاف می‌شود یا واجب معین را ترک می‌کند. اما گاهی مردد است. گاهی می‌داند که شخص در آستانه ارتکاب این حرام یا آن حرام است. یا واجبی را ترک می‌کند. سؤال این است که آیا امربه معروف و نهی از منکر اختصاص به جایی دارد که معروف و منکر معین باشد یا خیر؟

وقتی که مردد نیز است، دارای مراتبی است:

گاهی بین چند عنوان مشخص است که علم اجمالی دارد.

گاهی نیز دامنه‌ی علم اجمالی خیلی مبهم است. می‌داند که منکری را انجام می‌دهد اما که چه چیزی است اصلاً نمی‌داند.

ارتباط این بحث با تأثیر

گاهی احتمال تأثیر در امر مشخص می‌دهد و گاهی احتمال تأثیر در چند امر مردد می‌دهد. سؤال بالا این است که آیا تعین تفصیلی در امربه معروف و نهی از منکر شرط است؟

اما اگر بخواهیم با بحث تأثیر ارتباط داشته باشد باید بگوییم، امرو نهی گاهی احتمال تأثیر در یک فعل مقدم می‌دهد، گاهی نیز تأثیر در یک مجموعه‌ای از اعمال می‌دهد.

لزوم تعین معروف و منکر

سؤال این است که آیا تعین معروف و منکر شرط است؟

جواب این است که اطلاق ادله شامل این قضیه می‌شود. زیرا ادله امربه معروف و نهی از منکر است. منکر و معروف معین یا مردد باشد، تفاوتی نمی‌کند.

حتی اگر کسی بگوید از لحاظ لفظی «یأمرن بالمعروف» منحل به معروف معین است. امربه معروف نیز امربه معروف معین است. حتی اگر این احتمال را بگیریم و ادعای انصراف بکنند، در اینجا قطعاً الغای خصوصیت می‌شود.



تا اینجا مراتبی را بیان کردیم که گاهی شخص علم تفصیلی دارد، گاهی علم اجمالی دارد (مثلاً یا شرب خمر می‌کند یا غیبت می‌کند) گاهی نیز علم اجمالی خیلی ضعیف دارد (مثلاً احتمال می‌دهد که یکی از ده منکر را انجام می‌دهد). تمام این سطوح مشمول امر به معروف و نهی از منکر است. در اینجا یا شمول لفظی یا شمول مناطی قطعی به آن تعلق می‌گیرد.

شرط تعیین معروف و منکر در احتمال تأثیر

ممکن است کسی ده‌ها گناه انجام بدهد، اگر به هر گناه به صورت تکی نهی شود، تأثیر ندارد، اما اگر شخص به شکل مردد نهی کلی بکند، احتمال تأثیر بیشتر می‌شود. مثلاً بگویند شما مرتکب گناه نشو! این قسم، حتماً شامل ادله می‌شود.

ممکن است شخص احتمال بدهد که با نهی او، یکی از گناهان را طرف مقابل انجام نمی‌دهد. (نه اینکه کل گناهان را انجام ندهد) این نیز قطعاً مشمول دلیل می‌شود.

در نتیجه در احتمال تأثیر، تعیین شرط نیست.

مبحث شانزدهم: معین بودن مخاطب

مبحث شانزدهم، بحث بالا در کسی است که تارک معروف و یا مرتکب منکر است. گاهی شخص واحد معین است. گاهی نیز شخص واحد معین نیست، در اینجا نیز لزومی ندارد که معین باشد. دلیل اطلاق لفظی یا مناطاً دارد.

شکل دیگر این مبحث که با احتمال تأثیر ارتباط دارد این است که یک نفر در حال ارتکاب گناه است، شخص آمر و ناهی نیز او را می‌شناسد، ولی اگر به او مشخصاً خطاب کند، اثر نمی‌کند، ولی اگر مردداً بگویند که در جمع می‌دانم کسی این خلاف را انجام می‌دهد، شاید تأثیر بیشتری داشته باشد.

در این موارد گاهی اگر معین بگویند، اثر نمی‌کند ولی اگر مردد بگویند، اثر می‌کند. در نتیجه در احتمال تأثیر، معین بودن مخاطب و مردد بودن مخاطب، تفاوتی نمی‌کند.

مبحث هفدهم: تعیین در شخص آمر و ناهی

این تعیین و تردد در جهت آمر است. سؤالی که در اینجا مطرح است این است که: گاهی آمر و ناهی معین، احتمال تأثیر می‌دهد و اگر بگویند اثر می‌کند، گاهی نیز احتمال تأثیر بین دو نفر است. مثلاً شخصی از زید حرف شنوی دارد ولی از بکر حرف شنوی ندارد. ولی ما نمی‌دانیم که زید یا بکر تأثیرگذارند. آیا در اینجا باید هر دو اقدام کنند.



در این صورت ممکن است کسی بگوید به خاطر علم اجمالی، باید اقدام بکند. البته ممکن است کسی بگوید علم اجمالی در اینجا منجز نیست. علم اجمالی در جایی که به دو مکلف تعلق بگیرد، منجز نیست.

اما اگر فرض بگیریم هر دو تکلیف دارند باید بگوئیم علم اجمالی به احتمال تأثیر است. یعنی در اینجا احتمال تأثیر وجود دارد. اینجا موضوع متفاوت است.

صورت دوم این است که یکی احتمال تأثیر دارد و دیگری احتمال معکوس دارد. دو نفر در مقابل شخص مرتکب قرار گرفته‌اند، یکی باید عملی انجام بدهد، یکی از این‌ها احتمال تأثیر یا علم به تأثیر دارد. یکی نیز می‌داند جواب معکوس می‌دهد. در اینجا بحث می‌شود که این‌ها تکلیف دارند یا خیر؟ ممکن است شخص اثر مثبت یا اثر منفی بگذارد.

ممکن است کسی بگوید دوران بین معذورین است. در نتیجه تکلیفی وجود ندارد. ولی ممکن است کسی احتمال دیگری بدهد. اگر شخصی که نهی می‌کند، همانی باشد که اثر معکوس می‌گذارد، دومی اقدام می‌کند و تعیین پیدا می‌کند. اگر اولی کسی باشد که اثر می‌گذارد که خوب نتیجه تمام می‌شود و اثر گذاشته می‌شود.

همین وجه دوم اظهر است. البته اطلاق ندارد چون گاهی آثار عکس، اثرات مخرب زیادی دارد.

مبحث هیجدهم: تسری فروع امریه معروف و نهی از منکر به مبحث ارشاد و هدایت

نکته هیجدهم، مباحثی که در امریه معروف و نهی از منکر می‌کنیم در ارشاد و هدایت نیز جاری است. این فروع نیز در آن‌ها جاری است.